

عربستان و سناریوی آمریکایی



در ماجرای اخیری که طی آن ایالات متحده، ایران را متهم به تلاش برای ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا می‌کند، تمرکز عمده تحلیلی روی اهداف پشت‌پرده آمریکایی از طرح این سناریوست؛ حال آنکه بازیگر واسط مهمی در این میان وجود دارد که نقشی اصطلاحاً «تسهیل کننده» را برای سناریوی آمریکایی‌ها ایفا می‌کند.

در ماجرای اخیری که طی آن ایالات متحده، ایران را متهم به تلاش برای ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا می‌کند، تمرکز عمده تحلیلی روی اهداف پشت‌پرده آمریکایی از طرح این سناریوست؛ حال آنکه بازیگر واسط مهمی در این میان وجود دارد که نقشی اصطلاحاً «تسهیل کننده» را برای سناریوی آمریکایی‌ها ایفا می‌کند.

عربستان به‌عنوان کشوری که در سناریوی طرح شده قرار بوده مورد حمله قرار گیرد، اولاً به‌صورتی مطلق در حال تکرار ادعای آمریکایی‌ها و تقدیر و تشکر از این کشور بابت کشف این #171؛ توطئه است و از سوی دیگر بدون اینکه هنوز صحت و سقم ادعایی مشخص شده باشد، سخن از تلافی می‌رانند. حال سؤال محوری این است که مشارکت فعالانه و بی‌سابقه سعودی‌ها (البته جز در ماجرای تحریک عراق برای حمله به ایران) در این ماجرا چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ پاسخ به این سؤال محوری را می‌توان در چند سطح مطرح کرد:

سعودی‌ها به دلیل یک سوءظن قدیمی از هر مولفه‌ای که قدرت منطقه‌ای ایران را تقویت کند به‌شدت در هراس هستند و تجربه نشان می‌دهد دائماً مترصد فرصت‌هایی برای برهم‌زدن موازنه منطقه‌ای به نفع خود بوده‌اند. طبعاً سعودی‌ها برای ممانعت از تقویت همه‌جانبه نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، می‌کوشند تا از رویکرد کلان غرب علیه ایران به‌عنوان فضای بازی به‌نفع جهت‌گیری کلان خود در ضربه‌زدن به قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند.

مروری بر معادلات سیاسی یک دهه گذشته خاورمیانه به‌خوبی نشان می‌دهد که سعودی‌ها بزرگ‌ترین بازندگان روندهای جاری در منطقه بوده‌اند. ازدست رفتن طالبان در افغانستان، وارد آمدن ضربات شدید به القاعده، سقوط صدام حسین، سقوط دیکتاتورهای نظیر بن‌علی و حسنی مبارک، سقوط دولت حریری در لبنان، قرار داشتن عبدالله صالح در آستانه سقوط و موقعیت دشوار آل‌خلیفه در بحرین همگی معنایی جز سیر ماجراها به ضرر عربستان ندارد. در این موقعیت سعودی‌ها احساس می‌کنند که روند ماجراها به‌گونه‌ای رقم خورده است که عملاً قدرت مانور ایران به‌صورت همه‌جانبه افزایش یافته است. در همین راستاست که سعودی‌ها به‌همراه اردنی‌ها طی یک دهه گذشته منادیان #171؛ خطر شکل‌گیری هلال شیعه» در خاورمیانه بوده و کوشیده‌اند تا به غرب اینگونه القا کنند که باید به هر نحوی جلوی قدرت مانور افزایش‌یابنده ایران گرفته شود.

در عین حال نباید از کارویژه‌های داخلی این واقعه برای سعودی‌ها نیز غافل بود. سعودی‌ها به‌شدت دچار تنش‌های اجتماعی و سیاسی درونی هستند. درگیری‌های اخیر در مناطق شیعه‌نشین باعث شد که حاکمان عربستان عنان از کف داده و بی‌محابا ماجرا را به ایران منتسب کنند. آشکار است که این فرافکنی اقدامی برای انکار ریشه‌ای اعتراض‌ها به وضعیت اسفبار شیعیان عربستان است. در عین حال نقش منازعات داخلی نخبگان سعودی در جریان جدال جانشینی را نیز نباید از نظر دور داشت.

برجسته کردن خطر ایران حداقل این سود را برای سعودی‌ها دارد که می‌توانند خواسته‌های شیعیان را سرکوب، اکثریت سنی را در پشت خود بسیج و انسجام درونی نخبگان سعودی را تقویت کنند. فارغ از اهداف سعودی‌ها در ماجرای اخیر، آنچه باید بدان توجهی جدی صورت گیرد، شیوه عملکرد بی‌محابای نخبگان این کشور است که در متن خود حکایت از هراسی عمیق و خشمی فروخورده دارد که گویی مدت‌ها منتظر فرصتی برای بروز در عرصه عمومی و انتقامجویی علنی بوده است. شیوه عمل فعلی عربستان به کودکی می‌ماند که اکنون حضور دستی قوی را پشت سر خود احساس می‌کند و از این لحاظ گمان می‌کند فرصت برای زدن حرف‌های ناگفته فرارسیده است.